## سرمقاله

# نگاهی به افغانستان بعد از یازده سپتامبر

محمدرضا هویدا

حوادث تروریستی یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ نقطه عطفی در تاریخ روابط شرق و غرب بوده است. این حادثه، حوادث بزرگ دیگری را در پی داشت که در یک نگاه افغانستان در بسیاری از این حوادث در محراق قرار داشت. یازده سپتامبر ۲۰۰۱ افغانستان فراموش شده که در آن زمان پایگاه و پناهگاه امنی برای تروریست های القاعده شده بود و حکومت طالبان نیز بر مردم حکومت می کردند، را به جهان شناساند، جهانی که افغانستان را فراموش کرده بودند و دیگر برای مبارزاتش در مقابل شوروی بهای نمی پرداختند و خسته از جنگ های مجاهدین بودند و متنفر از حکومت طالبان. حادثه یازده سپتامبر دوباره به جهان یادآور شد که این سرزمین اگر خراب باشد، جهان را خراب می کند. القاعده که افغانستان را پایگاه خود کرده بود، به قلب جهان غرب حمله کرد و برج های تجارت جهانی را ویران کرد که در نتیجه آن حدود سه هزار انسان در یک جای جان دادند. جهان غرب به زودی متوجه عمق فاجعه ای شد که در افغانستان جریان داشت، حمله به افغانستان برای رها ساختن این کشور از طالبان و القاعده برق آسا و کوبنده بود. نیروهای طالبان و القاعده راهی جز فرار نداشتند. طالبان به زودی با حامیان القاعده شان پا به فرار گذاشتند و افغانستان از استبداد طالبان رها شد.

حضور جامعه جهانی در افغانستان و اجماع آنها برای حضور و بازسازی افغانستان و مبارزه با تروریزم، افغانستان را کاملا متفاوت از گذشته ای ساخت که پناهگاه تروریزم شده بود. کمک های میلیارد دالری به افغانستان سرازیر شد و دسته های سربازان خارجی از کشورهای مختلف برای مبارزه با تروریزم وارد کشور شدند. به زودی افغانستان تازه هایی را تجربه کرد که در تاریخ خود نداشت و یا کم سابقه بود. افغانستان انتخابات ریاست جمهوری را تجربه کرد، پارلمانی قانونی پیدا کرد که وکلا با رای مردم انتخاب شده بودند. میلیون ها کودک از سراسر کشور به مکتب ها پای گذاشتند، ده ها هزار جوان در دانشگاه ها درس خواندن را شروع کردند، ده ها حزب سیاسی ثبت شدند و ده ها نشریه و جریده و روزنامه و رادیو به کار آغاز کردند و ... همه اینها افغانستان را متفاوت از گذشته ساخته بود. مهمتر از همه چیز، اعتماد و باور روز افزون مردم به دولت بود. مردم به سربازان اردو و پولیس تازه تاسیس افتخار می کردند و آنها را دوست داشتند، به دولتمردانی که با رای و اراده مردم انتخاب شده بودند، باور پیدا کرده بودند، به نهادهای دولتی اعتماد می یافتند، به آینده ای که در انتظار شان بود اعتماد کرده بودند و جدا معتقد بودند که دوباره می سازندش. سرمایه بزرگی بود برای کشوری که از میان آتش و دود سی سال جنگ سر برآورده بود، این همه موفقیت.

اکنون بعد از چهارده سال، همه چیز باری دیگر تغییر یافته است. حکومتی که بر اساس یک توافق سیاسی به وجود آمد، عاجز عمل به وعده ها و وعیدهایش، ناتوان از مبارزه جدی با دشمنانش، عاجز از نشان دادن اقتدار و جذبه یک حکومت کارا و مدرن، درمانده در مشکلات خویش است. افغانستان اکنون، در چهارده سال پیش و بعد از حادثه یازده سپتامبر و نقشه حضور جامعه جهانی در این کشور قابل تصور نبوده است. کمتر کسی باور می کرد که افغانستان بعد از سالها حضور جامعه جهانی چنین وضعیتی داشته باشد که توان مبارزه با ناامنی ها و مشکلات و سختی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... خود را نداشته باشد.

دولت افغانستان امروز با وجود همه دستاوردهایی که داشته و دارد، در حال از دست دادن اعتماد مردم است. ناامنی های فزاینده و سهل انگاری و کم کاری ها، فساد اداری فراگیر فاصله میان مردم و دولت را رو به افزایش ساخته است. این فاصله بدترین مشکلی است که ممکن است در یک کشور رخ دهد. افغانستان امروز، باری دیگر باید به چهارده سال که از یازده سپتامبر گذشته است، ببینند، مطمینا درسهای زیادی برای آموختن خواهیم یافت.

# دگرگونی در رویکرد حکومت در پروسه صلح

علی قادری

رئیس جمهور غنی با شورای مردمی لوی کندهار نشست داشته است. رئیس جمهور و نمایندگان شورای مردمی لوی کندهار بر حمایت و پیشیبانی مردمی برای دگرگونی و تغییرات بنیادین در پروسه صلح و ایجاد یک مکانیزم قوی و موثر در آوردن صلح سرتاسری تأکید نموده است. اعضای شورای لوی کندهار به حکومت پیشنهاد داده است که از هر ولایت ده نفر علما، بزرگان قومی و متنفذین گردهم آورده شود و از آن ها در باب چگونگی آوردن صلح مشوره خواهی شود. در آخر، رئیس جمهور از شورای مردمی لوی کندهار خواسته است که طرح های خویش در باب چگونگی تأمین صلح را به صورت کتبی به ریاست جمهوری ارائه نماید. در باب صلح و چگونگی تأمین صلح چند نکته قابل یادآوری است. در ذیل تلاش می شود مهمترین و اساسی ترین نکات مغفول در گفتگوی صلح را ارائه نمایم.

اول؛ از همان آغاز گفتگو های صلح، این نگاه بر گفتگو های صلح حاکم بود که تأمین صلح بدون همکاری های پاکستان ممکن نیست. این نگاه ناشی از این مسئله بود که گروه های مخالف مسلح دولت توسط سازمان های نظامی پاکستان کنترل، حمایت و هدایت می شود. از این لحاظ، بیشترین انرژی و نیروی شورای عالی صلح و حکومت در راه متقاعد کردن پاکستان برای همکاری در پروسه صلح صرف شد. با این حال، تجربه چندین سال نشان داد که این رویکرد به صلح از اساس و بنیاد اشتباه است. تا زمانی که زمینه های اجتماعی نفوذ کشور های بیرونی در کشور وجود داشته باشد، هم کشور های همسایه در افغانستان از این خلاء و فرصت برای برآوردن منافع خود استفاده می کند و هم صلح تأمین نمی گردد. رویکرد اساسی بنیادی در تأمین صلح سرتاسری روی آوری به مردم و داد و ستد مستقیم حکومت با مردم است. ارتباط مستقیم حکومت با مردم باعث فهم خلاء ها و ریشه های جنگ و منازعه می شود. در حقیقت با این ارتباط است که نخبگان سیاسی ریشه ها و علل منازعه را درک می کنند و در نهایت، برای از میان برداشتن آن ریشه ها اقدامات جدی روی دست بگیرد.

یکی از مهمترین و اساسی ترین کار ممکن بالا بردن آگاهی مردم از طریق نهاد های آموزشی است. در ده سال گذشته با وجود کمک های جامعه جهانی در راستای گسترش آموزش و بالا بردن سطح سواد مردم حکومت اما، نتوانست در سراسر افغانستان مکاتب را فعال نگه دارد. حکومت نه تنها قادر به این کار نشد بلکه وزیر معارف به جای ساخت مکتب و انجام مسئولیت خود هزاران مکتب خیالی ساخت و پول های هنگفت آن را به جیب زد. حکومت وحدت ملی برای تأمین صلح لازم است که مکاتب را در سراسر افغانستان فعال نگه دارد. این کار، ممکن در کوتاه مدت جواب گو نباشد، اما در دراز مدت نتیجه مثبت و خوبی را برای افغانستان در پی دارد. حداقل نسلی که اکنون در حال آموزش است از جنگ، انتحار و انفجار دست می کشد.

دوم؛ حکومت افغانستان از همان آغاز گفتگوی های صلح دقیقا از گفتمانِ استفاده نموده است که گروه طالبان و دیگر گروه های دهشت افکن استفاده می کند. جهاد به عنوان یک مفهوم دینی به یک گفتمانی تبدیل شده است که رفتار های زیادی را معنی می بخشد. در خیلی از موارد، جهاد به عناصر و مولفه ها و رفتار های معنی می بخشد که بدون جهاد، مشروعیت آن زیر سوال است. حکومت از همان آغاز از گروه های جهادی برای تأمین صلح کمک خواست. این در حالی است که گروه طالبان نیز از این مهفوم سود می جوید. آن ها در واقع جنگ های کنونی خود را جهاد می نامد. با این حال، حکومت نتوانست با در میان آوردن مفهوم جهاد گفتمان گروه های مخالف مسلح دولت در باب جهاد را تضعیف نماید. باور نگارنده بر است که در میان مردم استفاده از مفهوم جهاد نتیجه برعکس برای حکومت در پی داشته است. بدین معنی که راه اندازی و استفاده از مفهوم جهاد منجر به تقویت جهاد در صفوف گروه های مخالف مسلح دولت شده اند و باعث تحرک بیشتر گروه های مخالف مسلح دولت شده اند. بنابراین، حکومت در ایجاد یک گفتمان موثر ناکام بوده است و از گفتمان استفاده نموده است که باعث تقویت گروه های مخالف مسلح دولت شده اند.

سوم؛ حکومت در تأمین صلح یک اشتباه استراتژیک نموده است و آن قربانی کردن مردم در این راه بوده است. بدین معنی که حکومت به خاطر گفتگو های صلح مخالفان مسلح را میدان داده است. این میدانی دهی باعث آزار و اذیت و در بسی موارد کشته شدن شهروندان بی گناه و صلح جوی کشور شده است. نتیجه این میدان دهی بدون شک، کاهش اعتماد و حمایت مردم از حکومت است. این هزینه کمی نیست. در یک طرف، مخالفان مسلح حاظر به صلح نشده است و در طرف دیگر، حکومت حمایت و پیشتیبانی شهروندان صلح جو را از دست داده است. حمایت ها و میدان دهی از گروه های مخالف مسلح دولت در زمان حامد کرزی آغاز شد و در دوران اشرف غنی ادامه یافت. حامد کرزی بار ها، از حملات خارجی ها بر گروه های مخالف مسلح دولت انتقاد کرد به نیرو های امنیتی کشور اجازه حمله داده نمی شد. در دوران اشرف غنی، مسئولیت تأمین امنیت کشور از نیرو های خارجی به نیروهای امنیتی کشور منتقل شد. در این دوره به نیرو های امنیتی کشور فرصت حمله و سرکوب داده نشد. نتیجه آن قدرتمند شدن گروه های مخالف مسلح دولت و از دست دادن برخی ولسوالی ها در برخی ولایات کشور است. این بدون شک، نتیجه همان اشتباه استراتژیک حکومت بود که بار ها تکرار شد و اکنون نیز تکرار می شود.

چهارم؛ جنگ در دوران پسا طالبان در مناطق پشتون نشین ادامه داشته است. اما از زمان آغاز گفتگوهای صلح دیگر گروه های اجتماعی به خصوص هزاره ها هزینه صلح با گروه طالبان را پرداخته است. نتیجه گفتگوی صلح این شده است که دامنه جنگ در مرز های هزاره، ازبیک و تاجیک نشین نیز کشیده شود و این گروه های اجتماعی هزینه بپردازد. گروه های مخالف مسلح دولت اگر چه در میان ازبیک ها و تاجیک ها نفوذ کرده است اما در میان هزاره ها نفوذ گروه های مخالف مسلح دولت به تعداد معدود جاسوس خلاصه می شود. با این حال، هزاره ها بیش از همه گروه های اجتماعی هزینه گفتگوی صلح را پرداخته است. به بهانه گفتگوی صلح مخالفان مسلح سرکوب نمی شود. آن ها در عوض برای دست یابی به اهداف خود یا هزاره ها را گروگان می گیرد و یا اینکه به صورت دست جمعی می کشد. اما در عوض حکومت تا اندازه زیاد بی توجه بوده است. ادامه این سیاست بیشترین ضربه ممکن را به حکومت می زند. زیرا، قطع حمایت هزاره ها به عنوان صلح جو ترین گروه اجتماعی منجر به هرج و مرج و از بین رفتن مشروعیت حکومت می شود. در نهایت، این حکومت خواهد بود که هزینه سیاست اشتباه خود را در قبال گروه های مخالف مسلح دولت می پردازد.

# انتظارات سیاسی دوستانه

عبدالرحمن فهیمی

سیاست، قدرت و منفعت از جمله مفهوم‌های هستند که «رقابت، بازی و کش‌مکش» را تداعی می‌کنند. در سیاست داخلی، احزاب سیاسی و نخبگان تاثیرگذار برسر کسب قدرت بین‌هم رقابت کرده و گاها کش‌مکش‌های سیاسی را تجربه می‌کنند. هدف، مشابه‌است. همه در صدد کسب قدرت هستند. اما از آن‌جای که فقط یک‌حزب و جریان می‌تواند قدرت را در دست داشته باشد، رقابت و بازی‌های سیاسی شکل می‌گیرد. سرانجام یکی از احزاب برنده شده، قدرت را در دست می‌گیرد و احزاب دیگر، خود را برای انتخابات بعدی آماده می‌کنند. در سیاست داخلی، ممکن‌است برخی از احزاب سیاسی و نخبگان تاثیرگذار قدرت‌خواه، مصلحت‌ها و منفعت‌های عمومی اجتماعی را لحاظ کرده و با مطمح نظر قراردادن آن، از منفعت‌های حزبی و فردی بگذرند.

در عرصه‌ی سیاست بین الملل، رقابت جدی‌تر و کش‌مکش‌های سیاسی فزون‌تر می‌باشد. براساس گفته‌ی «هانس‌جی‌مورگنتا» از نظریه‌پردازان مطرح رئالیست «دولت‌محوری و منفعت‌محوری» مبنای رفتار سیاسی همه‌ی واحدهای سیاسی‌است. منافع‌ملی ستاره‌ی راهنمایِ سیاست خارجی می‌باشد. با این‌که قواعد و قوانین بین المللی روز به روز تحکیم می‌یابد، اما، دولت‌ها فقط منافع‌ملی خود را می‌نگرند.

بنابراین، در موجودیت قواعد و قوانین بین المللی، و تعهد اعلامی دولت‌ها به حرمت‌نهادن به استقلال سیاسی و حاکمیت‌ملی هم‌دیگر و نیز تعهد به اصل خدشه‌ناپذیر مداخله نکردن، دخالت سیاسی کشورها در امور هم‌دیگر، به‌عنوان یک واقعیت سیاسی انکارناپذیراست. گرچه که دولت‌ها به‌صورت رسمی و اعلانی با ارتش شان حمله نظامی نکرده و به‌صورت هویدا دخالت نمی‌کنند، اما، به‌گونه‌های مختلف و متفاوت دست به دخالت می‌زنند. گروه‌های تروریستی را تقویت می‌کنند، جریان‌های جدایی‌طلب را حمایت می‌نمایند، احزاب سیاسی را که فکر سیاسی هم‌سو با کشور منظور دارد، حمایت می‌کنند، تا به قدرت و تصمیم‌گیری برسند، در پی توطئه‌ای سیاسی در سیاست بین الملل می‌گردند و ده‌ها انواع دیگر.

پس پرسش این خواهد بود که: دولت‌ها چگونه از استقلال و حاکمیت‌ملی خود دفاع نموده و حراست کنند؟

به‌نظر می‌رسد که پاسخ پرسش، شفاف، واضح و روشن است. از تمامی جنبه‌ها و ابعاد خود را قدرت‌مند و توان‌مند کرده و دخالت‌های سیاسی و توطئه‌های دشمن را دفع‌کنند.

کشور ما از سال‌های‌سال است که مورد توطئه‌ای دولت‌های خارجی قرار دارد. دولت‌های هم‌جوار، قدرت‌های منطقه‌ای و حتی قدرت‌های جهانی دست به توطئه‌های زده و به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم و به عبارت دیگر به‌صورت آشکارا یا پنهان دست به دخالت زده اند. بریتانیای کبیر، روسیه، دولت‌های عربی خاورمیانه به ویژه عربستان که مدعی رهبری جهان اسلام را برسر می‌پروراند، دولت ایران و پاکستان دخالت کرده اند.

دخالت سیاسی خارجی در کشور به پیمانه‌ای بوده که تعیین کننده‌ی نظام‌های سیاسی بوده است. امان الله خان به عنوان پادشاه نوگرایِ کشور، از اثر توطئه‌ای بریتانیا زیر فشار قرار می‌گیرد. بریتانیا حبیب الله کلکانی را از شمال کابل تقویت می‌کند. در نتیجه دولت امانی سقوط می‌کند. اما نادر خان را مورد حمایت قرارداده و بر علیه حبیب الله کلکانی تحریک می‌کند. حبیب الله کشته می‌شود و نظام بسته‌ی استبدادی که در تعارض شدید با دولت امانی بود، تحکیم می‌یابد. و همین طور، نظام‌های بعدی که یکی از پی دیگری تغییر می‌کند. اکنون که ما از نظام سیاسی دموکراتیک برخوردار هستیم و همه‌ی بازیگران سیاسی از هم‌دیگر پذیری سخن می‌زنند، به کمک دولت‌های خارجی میسر شده است. نمی خواهم دخالت بنامم. بهتراست هم‌کاری بنامم. پس از اثر هم‌کاری دولت‌های خارجی بود که احزاب نظامی ـ سیاسی و مجاهدین یک‌شبه دموکرات شدند و از تساهل و تسامح(تلرانس)، حاکمیت مردم و حقوق شهروندی همه‌ی باشندگان این جغرافیا سخن زدند.

به‌هرصورت، دخالت سیاسی دولت‌ها در امور یک دیگر و توطئه، امری‌ست که علی رغم تعهد و نکوهش در سازمان‌های بین المللی و سیاست‌های اعلانی، رخت بربستنی نیست. پس باید دولت‌ها خود را قدرت‌مند و توان‌مند کرده و آماده‌ی دفع هرنوع تهدید، توطئه و دخالت باشد. روز گذشته مراسم بزرگ‌داشت از هفته‌ی شهید برگزار شده بود. طبق معمول سخنران‌های این محفل، بحث علمی سیاسی نمی‌کنند. با گفتن چند کلمه‌ای احساسی و عاطفی و با اتحاف دعاء، به موضع‌گیری‌های سیاسی می‌پردازند. هرکس ماهی مقصود خود را می‌ستاند. یکی حکومت را فشار می‌دهد، یکی جایگاه و پایگاه‌اش را حفظ می‌کند، یکی بر رقیب می‌تازد و برخی‌ها هم بر کشورهای هم‌جوار حمله می‌کنند.

در این مراسم، همه‌ی سخنران‌ها به‌گونه‌ای دخالت و توطئه‌های سیاسی خارجی را مورد توجه قرار دادند. مشخص است؛ متهم درجه‌یک هم سایه‌ی شرقی ما پاکستان است. اتهام‌ها مشخص است و این‌قلم نمی خواهد بازهم تکرار کند.

اما با اندک مکث باید گفت که هر کشوری، در امور افغانستان دخالت می‌کند. تروریست ها را مسلح و تجهیز می‌کند و..... به هرپیمانه‌ای که ما فریاد بزنیم و بخواهیم که دخالت را متوقف کند، منصرف نخواهد شد. چرا؟. چون منافع‌ملی‌اش تقاضا می‌کند. آن کشور نمی‌تواند از منافع‌ملی اش بگذرد. می‌خواهد ثبات و امنیت‌اش را از رهگذر جنگ و بی‌ثباتی در منطقه به ویژه افغانستان در برابر رقیب قدرت‌مند و غول‌آسای‌اشتامین کند.

بنابراین، ما باید خود را قوی کنیم. به‌پیمانه‌ای قدرت‌مند و توان‌مند شویم که قادر به دفع توطئه‌ها و دسیسه‌های بیگانگان باشیم. به‌صورت واضح و مشخص باید گفت که دخالت‌های سیاسی پاکستان بدون فراهم کردن زمینه‌های داخلی میسور نیست. پس باید از این زمینه‌ها را از میان برداشت.

سیاست‌مداران کشور، با دید ملی و هم‌دیگر پذیری بازی کرده و نفش آفرینی نمایند. تا به حال که شعارها ملی و میهنی بوده، اما رفتارهای سیاسی در چهارچوب قومیت بوده است. رهبران سیاسی تلاش کرده اند، بیشترین امتیاز را به قوم خود بستانند و حتی از حضور دیگر گروه‌های قومی پیش‌گیری کنند. جای تاسف است یکی از سیاست‌مداران که مدام از جهاد، آرمان‌های دینی و ملی و خدمت به کشور سخن می زند، گذشته از کارنامه‌های پیشین‌اش، در موضع‌گیری‌های انتخاباتی و در فضای جدید حضور نداشتن مدیران یک‌قوم و یک‌بخش کلان از کشور را در راس مدیریت برخی نهادهای مهم آموزشی و قضایی شرط می بندد.

به هرتقدیر، انتظار دخالت نکردن سیاسی از هر کشور خارجی، خلاف واقعیت‌های سیاسی است. آن‌ها دخالت می‌کنند و در لابلایِ بحران‌های که ایجاد می‌کنند، منافع‌ملیِ خود را جست‌وجو خواهند کرد. پس برماست که خود را تقویت و توان‌مند کرده و هرگونه توطئه و دخالت را پاسخ دهیم.

## کارتون روز

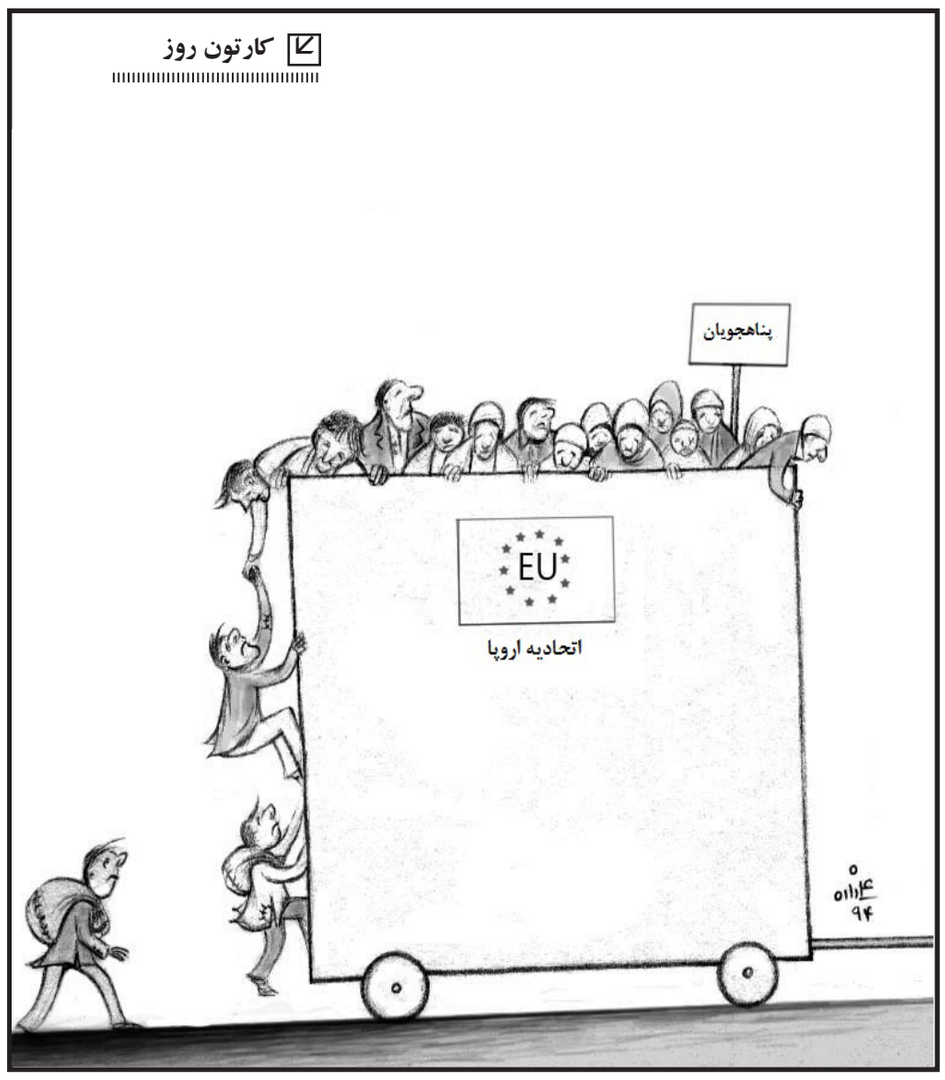


روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین: محمد صالحی، علی‌اصغر زاهدی
❑مسئول وب سایت: مهدی صالحی
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔ افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com